

نقدی بر تصحیح کتاب فردوس الحکمة:

کهنترین درسنامه پزشکی

سید حسین رضوی برقی^۱

مقدمه

فردوس الحکمة تألیف علی بن ربن طبری (تألیف در دهه سوم سده سوم هجری) را شاید بتوان قدیمی ترین پزشکی نامه عربی نگاشت تمدن اسلامی دانست. در این کتاب جز پزشکی اشاره‌هایی به مباحث فلسفی، زیست شناسی، زمین شناسی، ستاره شناسی، گیاه‌شناسی نیز وجود دارد. این مقاله، برگزیده‌ای از پژوهشهای نگارنده در زمینه فردوس الحکمة است که فرا روی خوانندگان قرار می‌گیرد.

نام علی بن ربن طبری و شاهکارش فردوس الحکمة از روزگار وی تا به امروز پیوسته در منابع و متون تاریخی و علمی معتبر بسیار به چشم می‌خورد، از جمله: الحاوی فی الطب و کُنَّاش فاخر محمد زکریای رازی، الابنیه عن حقائق الادویه موفق الدین هروی، الفهرست ابن ندیم، الصيدنة فی الطب ابوریحان بیرونی، الوصلة الی الحبيب فی الطبیات و الطیب ابن عدیم، بستان الاطباء و روضة الالباء ابن مطران، جیب العروس محمد بن احمد بن سعید تمیمی، مروج الذهب مسعودی، الجامع لمفردات الاغذیه و الادویه ابن بیطار، عیون الانباء فی طبقات الاطباء ابن ابی اصیبعه، تاریخ الحکماء قفطی، تقویم الصحة ابن بطلان، معجم الادباء یاقوت حموی و نزهة الارواح و روضة الافراح شهرزوری. چنانکه برخی با توجه به بهره‌گیری مؤلف از دانش پزشکی دانشمندان یونان، هند و حوزه تمدن اسلامی از جمله ایران که مشاهدات شخصی و آموزه‌های بالینی و تجربی خود را نیز

۱. پژوهشگر تاریخ پزشکی در دوره اسلامی.

بدان افزوده، آن را دایرة المعارف هم نامیده‌اند. با این همه، بسیاری از زوایای زندگی او کماکان ناشناخته است و هرچه هست بیشتر بر بنیان همان یادکردهای خود او در آثارش و به ویژه در فردوس الحکمة است.

خانواده‌اش به علم و فضل در خراسان و عراق شهره بوده‌اند (انزابی نژاد، ص ۵۴۵). پدرش به نوشته خود او در آغاز کتاب، پزشکی آموخته بوده و به شهر مرو پیشه دبیری داشته است (طبری، ص ۱). سزگین او را دانشمندی سریانی و مسیحی مذهب یادکرده که در فلسفه نیز دستی داشته است (ص ۳۱۰) و زبان سریانی، پزشکی و دبیری را خود به فرزندش، علی آموخت.

تاریخ و مکان تولد علی بن ربن طبری مشخص نیست. پس از شکست مازیار بن قارن که طبری دبیری او را بر عهده داشته، به سال‌های پس از ۲۲۴ تا ۲۲۷ ق بر حسب اقوال مختلف، به سامرای عراق کوچ کرده و در همانجا به متوکل، خلیفه عباسی (۲۳۲-۲۴۷ ق)، پیوسته است؛ البته در کتاب خود اشاره‌ای نیز دارد به اقامت خود در ری و از فرزند دوست زرگر پیشه خود یاد می‌کند (طبری، ص ۵۳۵).

به نوشته خود وی در آغاز کتاب، به سال سوم خلافت متوکل (۲۳۴ ق) تألیف فردوس الحکمة را در شهر سُرّ من رای (که پایگاه خلیفه بوده) به پایان برده است، اما برخی از پژوهشگران چون براون (ص ۷۲) سال تألیف آن را در ۲۳۶ ق ذکر کرده‌اند. با این همه، ذکر این مطلب لازم است که طبری در جای دیگر کتاب (ص ۲۵) از زلزله طبرستان در سال ۲۴۲ ق یاد کرده است که ابن اثیر (ج ۷، ص ۸۱) و ابن عبری (ص ۱۹۸) هم به آن اشاره کرده‌اند. اگر این سخن دلالت بر حضور او در طبرستان داشته باشد، می‌توان به تحریر دیگری از فردوس الحکمة در ۲۴۲ ق پی برد. او معاصر یوحنا بن ماسویه (م ۲۴۳ ق) و حنین بن اسحاق (۱۹۴-۲۶۴ ق) بوده و از هردو، ذیل منابع تألیف کتاب یادکرده است.

وجود عبارات «انشاء الله» و «بإذن الله» که بیش از یک صد بار در متن، به ویژه پس از تجویز داروها آمده، می‌تواند حاکی از گروش طبری به اسلام باشد؛ به علاوه وی در

یک جا از نماز خواندن خود و پدرش یاد می‌کند (طبری، ص ۵۱۸) که ظاهراً مورد توجه پژوهشگران خاصه سزگین قرار نگرفته است، زیرا او با اینکه در یک جا می‌گوید که طبری به سال ۲۴۰ ق به اسلام گرویده است، ولی در جای دیگر می‌نویسد: در فردوس الحکمة هیچ اثری از اعتقاد طبری به اسلام دیده نمی‌شود (ص ۳۱۱). خوانندگان پژوهنده برای آگاهی از زندگینامه و دیگر آثار علی بن ربن طبری به تاریخ نگارش‌های عربی فؤاد سزگین (ص ۳۱۰-۳۱۶) و ذیل ابن ربن طبری در *دایرة المعارف بزرگ اسلامی* (ج ۳، ص ۵۴۵-۵۴۶) مراجعه نمایند. یادآور می‌شود که افزون بر آنچه در منابع از آثار طبری یاد شده، نگارنده به دو اثر دیگر از او برخورد کرده که در برخی از فهرس از آنها یاد شده است: یکی کتاب *البرهان* که کورکیس عواد در *فهرست اصول العربیة للدراسات السریانیة* از آن یاد کرده و نسخه‌ای از آن در کتابخانه باسل حلب موجود است (ج ۱، ص ۳۰۷) و دیگری کتاب *الرقی* که در *معجم المؤلفین*، ذیل نام علی بن ربن طبری (ج ۷، ص ۱۰۳) از آن یاد شده است.

معرفی فردوس الحکمة

گناش فردوس الحکمة نامی است که طبری بر این اثر نهاده، اما خود از آن به بحر المنافع و شمس الآداب هم یاد کرده است (طبری، ص ۸). طبری بنیان رده بندی کتاب را بر ۳۰ مقاله و ۳۶۰ باب نهاده است. این شمار در تبویب کتاب شاید نشانه‌ی علاقه او به ستاره‌شناسی بوده باشد، یا اشاره به عدد ۳۶۰ ارتباط دارد که به باور پزشکان کهن تعداد رگهای تن انسان بوده است.

طبری پس از آنکه از پند پدر یاد می‌کند که در کودکی به من آموخت که بیش از آنچه خداوند برایم مقدر کرده نخواهم (ص ۱)، به منابع تألیف خود اشاره می‌کند و از

آثار بقراط^۱ حکیم، جالینوس^۲ و پزشکان همزمان خود چون یوحنا بن ماسویه و حنین بن اسحاق و پزشکان هندی یاد می‌کند (همان، ص ۸).

طبری این کتاب را گزیده‌ای از کتابهای حکمای پیشین و همزمان خود می‌داند که فراروی خوانندگان نهاده است و در جای جای آن به آزموده‌ها و مناظرات خود و رخدادهای زمانه‌اش به ویژه در سالهای اقامتش در طبرستان اشاراتی دارد. این سخن سزگین، را که طبری قسمت بزرگی از مطالب فردوس/الحکمة را از یک کتاب بی نام سریانی گرفته که احتمالاً در قرن ششم میلادی تألیف شده بوده (سزگین، ص ۳۱۲) شاید بتوان پذیرفت؛ زیرا گاهی از متن کتاب نیز چنین مستفاد می‌شود؛ برای نمونه چون از درمان آماس رحم سخن می‌گوید که «و این علق فی عنقه اصل السوس من ورم الارحام ایضاً» بی درنگ می‌نویسد: أظنه السوسن (طبری، ص ۱۸۴) که نشانه آن است که ابتدا نظر کس دیگری را آورده و بعد دیدگاه خود را یاد می‌کند. نام فیلسوفان و دانشمندانی نظیر ارسطو نیز در بررسی متن به چشم می‌خورد که در مقدمه، جداگانه از آنها نامی برده نشده است، از جمله: فیثاغورس با ضبط فیثوغورس (همان، ص ۶۵، ۷۰، ۷۲)، اسکندر حکیم که به اسکندر فیلسوف یا اسکندر ترالسی^۳ هم مشهور است (همان، ص ۶۶، ۱۴۴)، اسطفن اسکندرانی^۴ (همان، ص ۱۲ و ۱۴۴)، بطلمیوس^۵ با ضبط بطلامیوس (همان، ص ۵۴۷)، صاحب کتاب الفلاحة (مکرر، ص ۵۲۰، ۵۲۶، ۵۲۷)، ارکاغانیس^۶ پزشک پیشاجالینوس^۷ (همان، ص ۱۵۰)، دیاسقوریدوس یا دیوسکوریدس^۸، گیاه‌شناس معروف یونانی

1. Hippocrate

2. Galen

3. Alexander Trallianus

4. Stephanus Alexanderis

5. Claudia Ptolemaeus

6. Archigenes

7. Pre-Galen

8. Dioscorides

(ص ۵۲۵)، أرسالاًوس^۱ (ص ۳۵۰)، افریقی^۲ (ص ۲۸۳) و همچنین از ذیمقراطیس^۳ و ماگنوس حمصی^۴ و افلاطون^۵ و عراطلس^۶ یاد شده است. از پزشکان بعد از اسلام از ابوجریح راهب (زنده پیش از سده سوم هجری)، ابن محجن داروساز (ص ۴۹۹)، ابن ماسویه (ص ۸، ۴۶۸) و حنین بن اسحق (ص ۸) یاد می کند. ابن محجن که نامش در تاریخ نگارشهای عربی نیامده است به نظر می رسد بیشتر یک کارورز بوده تا دانشمندی صاحب سبک، زیرا طبری به مرهمی اشاره می کند که او برای برخی خلفاء ساخته بود تا آن را لشکریانی که از زخم شمشیر دچار شکستگی سر و آسیب دیدگی دیگر اندامها می شدند، به کار برند (ص ۴۹۹).

تصحیح فردوس الحکمة

دکتر محمد زبیر الصدیقی فردوس الحکمة را در سال ۱۳۰۷ ش / ۱۲۹۸ م و بر اساس سه نسخه شناخته شده (موجود در بریتانیا، گوتا، برلین) و دو نسخه در هندوستان (خواجه کمال الدین و رامپور) تصحیح و در برلین به چاپ رساند. به پنج نسخه مذکور باید سه نسخه دیگر را نیز افزود که پس از آن شناسایی شده اند: نسخه دانشگاه تهران (حاوی متن کامل کتاب)، نسخه گزیده ایاصوفیه و نسخه ای با عنوان منقولات من فردوس الحکمة که در کتابخانه مغنسیای ترکیه موجود است و در سال ۶۱۸ ق کتابت شده است. در تاریخ نگارشهای عربی (سزگین، ص ۳۱۴) به نسخه خواجه کمال الدین

۱. به نظر می رسد ارسالاًوس، تحریف شده مارسلوس پزشک تجربی دوران تئودوزیس اول باشد..

۲. نام او با این ضبط در منابع موجود یافت نشد.

3. Democritus

4. Magnus Emesus

5. Plato

۶. با این ضبط در منابع تاریخ پزشکی نیامده است. به نظر می رسد کاتب ضبط تئوفراست را به شکل مخفف شده فراسطس، به غلط عراطلس کتابت کرده باشد.

معرفی شده صدیقی و نسخه مغنسیا اشاره‌ای نشده است. چاپ متن فردوس/الحکمة، راهگشای بسیاری پژوهشگران شد که طی هفت دهه از آن بهره گیرند و شاید برخی پژوهش‌ها بدون دسترسی به متن این اثر به سامان نمی‌رسید؛ اما همچنان با رفع برخی کاستی‌ها، نوویراسته دقیق‌تری از آن لازم به نظر می‌آید. تا از نسخه‌های یافت شده پس از تصحیح صدیقی بهره گرفته شود.

در متن مُصَحَّح فعلی از نسخه‌های موجود نیز روشمند استفاده نشده است؛ زیرا شمار اختلاف نسخ پانویس، بسیار اندک و آن هم بدون ذکر منبع است، در حالی که ضبط نسخه بدل‌ها برای چنین نوشتاری که سراسر حاوی واژه‌های گیاهی، جانوری، بیماری‌ها و اعلام تاریخ دانش پزشکی است بسی ضرورت دارد. بر پایه این اطلاعات پژوهشگران می‌توانند با ضبط دقیق واژه‌ها که گاه در نسخه‌ها متفاوت است، بسیار بهره ببرند. بر اساس پژوهش نگارنده بیش از ۱۱۲ واژه و ترکیب با ضبط صحیح خود به کار نرفته‌اند که دلیل آن، بیگانگی مصحح کتاب، محمد زبیر صدیقی، با مبانی پزشکی و زبان فارسی قدیم بوده است؛ زیرا طبری بسیاری از نامها را به شکل پارسی - به ویژه با گویش منطقه طبرستان - آورده است. مصحح به پژوهش پیرامون واژه‌ها و ریشه‌یابی آن‌ها نیز نپرداخته و به بیان ساده‌تر تنها متنی قابل خواندن را پیش روی خوانندگان نهاده است؛ از این روی خواننده ناگزیر است در موارد بسیار خود به کاوش و مطالعه بپردازد. فهارس اعلام ولو به شکل ناقص و ابتدایی که برای کارهایی این چنین بسیار ارزشمند و کارآمد است، در پایان کتاب نیامده است. نکته دیگر آن که مقدمه کتاب فاقد تحلیل کلی متن و بررسی نکات مهم اثر است و ذکری از آنچه طبری در فردوس/الحکمة برای نخستین بار عرضه کرده، به میان نیامده است. در زیر شماری از خطاهای ضبط واژه‌های متن در چاپ صدیقی ذکر می‌شود:

- ایارج فیکرا: ترکیبی دارویی است که به شکل نادرست ایارج القیفا و ایارج الفقیرا (ص ۱۴۷، ۱۴۸، ۵۶)، آمده است.

- برسیان دارو: مفرده‌ای گیاهی است که به شکل نرسیادارو و نرسیاداروا (ص ۱۵۴،

۲۳۰، ۲۳۲، ۳۸) آمده است.

- دهن الخندقوقی: مکرر به شکل دهن الخندقوقی و دهن الخندقوق آمده (ص ۱۹۴، ۳۸۰، ۳۹۴)، که به معنی روغن یونجه است.

- قیح: که به معنای چرک است در بیش از پانزده مورد به شکل قُیح (ص ۲۰۳، ص ۲۰۵، ص ۲۱۰) آمده که بی معنی است.

- مخیض البقر: این واژه که به معنای دوغ گاوی است و در درمان گرمی به کار می‌رفته، مکرر به شکل مخیض البقر آمده است. (ص ۲۱۳، ۲۳۷، ۲۴۹).

- کماذریوس: که داروی مفردة شناخته شده‌ای در پزشکی کهن بوده با ضبط کماخرتوس آمده است.

- سیاه داروان: که مفرده‌ای گیاهی است، به غلط با ضبط سیاداوران آمده است (ص ۴۰۶).

- سقنقور یا اسقنقور: که نوعی جانور آبی است و به ویژه در تقویت باه به کار می‌رفته، با ضبط اسقیقون آمده است (ص ۳۶۲).

- بنفسج: که معرب بنفشهٔ پارسی است، بیش از ده بار با ضبط نادرست بنفس آمده است (ص ۱۵۰، ۱۸۶، ۱۸۵).

در بخش پایانی برخی از آنچه را طبری از روزگار خود یا مشاهداتش آورده است نقل می‌کنیم.

۱. و من دارویی را آزموده‌ام که سودمندی شگفت آوری دارد و آماس معده را بهبود می‌دهد، به این ترتیب که روزهای متوالی ربّ غافث و ربّ افسنتین بخورد و اگر در معده بادهای غلیظ حبس شده با نهادن شاخ حجامت روی آن محل، آنجا را از باد تهی می‌سازند (طبری، ص ۲۱۴).

۲. چنانچه مگسی را در شراب غوطه‌ور کنند، آنچنانکه چون مرده‌ای شود که سرش را هم تکان ندهد؛ پس از آن مگس را در دست گرفته و خاک بروی او بریزند، تکان خورده و زنده می‌شود و پرواز می‌کند (همان، ص ۵۳۴) و در همین جا از آزمایش خود با قورباغه نیز سخن می‌گوید.

۳. از شوینده‌ای که گویا خود برای متوکل ساخته بوده یاد می‌کند که ضمن پاک و نرم کردن دستان تقویت کننده معده هم بوده است (همان، ص ۶۱۷).
۴. از سبب فراموشی سپاهیان روم می‌گوید: و آن در جنگی بود که بوی نعش مردگان چنان زیاد بود که حافظه آنها را تباه ساخت و چون مدتی آنجا ماندند نه نام خود و نه نام پدرانشان را به خاطر نمی‌آوردند (همان، ص ۱۴۱).
۵. از خودکشی و افسردگی های روانی یاد کرده است: اما یکی از آنها مردی مسیحی بود... که شبی یارانش او را در حالی یافتند که قسمتی از گلوی خود را بریده بود و خون از آن فوران می‌کرد. به دادش رسیدند و درمانش کردند... و زنان و مردانی در طبرستان خود را از ترس یا اندوه پدیده آمده، از درختان حلق آویز کردند (همان، ص ۱۴۲).
۶. درباره تأثیر نور ماه بر ساخت شراب در طبرستان نوشته است: اهل طبرستان می‌نویسند که در شبی که هلال ماه در آسمان پدید می‌آید، شراب در خم‌های خود دگرگون می‌شود و بخش پایینی - دردی - به بالا می‌رود و در آغاز ماه، شراب را کدر می‌یابند، که گویی رسوبی بیش نبوده است و از این سبب همه خم‌های خود را در زمین مدفون می‌کنند (همان، ص ۲۲).
۷. از رابطه چهره شخص و رفتارهای او که در گذشته به علم فراست معروف بود، سخن می‌گوید: در طبرستان مردی را می‌شناختم که چشم و ابرو و لبش شباهتی به بوزینه داشت و شادمانی‌ها و سرگرمی‌ها را دوست می‌داشت و بر آمیزش جنسی با زنان حریص بود، همچنانکه بوزینگان چنین‌اند (همان، ص ۴۹-۵۰).
۸. از پیش آگاهی‌های جانوران از رخدادهای طبیعی سخن می‌گوید و از جمله به شناخت حیوانات از شدت باران اشاره دارد: از آنچه بر باران آمدن دلالت می‌کند آن است که خوکها به غیر وقت مقرر - یعنی زودتر - به جایگاههای خود برمی‌گردند (همان، ص ۵۲۰).
۹. از مشاهدات شخصی‌اش و یا نقل‌هایی درباره اقوام دیگر نکات جالبی آورده است: در سامرا مردی زنگی را دیدم که مارها و عقربها را خام می‌خورد. و جوانی مو بور کبود چشمی را دیدم، که هیچ کژدمی او را نمی‌گزید جز اینکه می‌مرد (همان، ص

۵۲۵). از پیرمردی در فارس که پزشکی ورز بوده، ولی شگردش تشخیص بیماری از محیط اطراف بود و از نشانه‌شناسی پزشکی چندان آگاهی نداشت، یاد می‌کند: از آن جمله هرگاه بر بیماری وارد می‌شد، نبض رگ دستش را می‌گرفت و به قاروره - شیشه ادرار - بیمار می‌نگریست و میوه یا غذایی که فصلش بود (که می‌دانست کسی نیست که از آن نخورده باشد) در نظر می‌گرفت، پس می‌گفت: این روزها انگور یا باذنجان یا خربزه خورده‌ای و شاید بیمار همان روز یا پیش از آن، بارها خورده بود و همه از تشخیص او شگفت زده می‌شدند (همان، ص ۵۳۵).

۱۰. طبری از تجربه‌های مردمان عامه در درمان بیماری‌ها نیز یاد کرده است: دیدم طبرستانیان و دیگران می‌گویند که هرگاه در برابر کسی که به فتق دچار شده، چوب درخت انجیر را بسوزانند، بیضه اش بهبود خواهد یافت (هموی، ص ۵۳۳).

۱۱. وی به خوبی از آنچه در اطرافش می‌گذشته تجربه می‌اندوخته و بسیار ریزبین بوده است: چه بسا دیده‌ام که گونه‌ای از یک درخت که دو تای آن به دیگری چسبیده و چنان به هم جوش خورده‌اند که بیننده نمی‌تواند بازشناسد که یک شاخه از کدامیک از آنهاست (همان، ص ۳۶). یا بسیار در کوه‌های طبرستان دیدم... بخارات از کوه بالارفته و متراکم می‌شود و در هوا بر روی هم قرار می‌گیرند و همان روز یا چند روز بعد به باران تبدیل می‌شوند. و چه بسا این بخارهای متراکم شده با آمدن بادهای هم برخورد کنند و از میانشان صاعقه‌ها پدید آید و از اصطکاک آنها برق پدیدار شود (همان، ص ۱۵). همچنین میخ‌هایی کوچک و بزرگ از مس سرخ را نزد کرده‌ها دیدم که می‌گفتند این‌ها نتیجه صاعقه است که پس از تخریب زمینی ایجاد شده است. و مناسبت آن را نمی‌دانم (همان، ص ۲۵).

۱۲. روزگاری که در ری به سر برده است، به بحثی پیرامون آسان زایی و دشوارزایی زنان پرداخته است: سنگی به زنان آبستن می‌آویختند تا جنین را نگاه دارد و سنگی هم که جنین را ساقط می‌کرد. من این دو سنگ را در سرای فرزند صدقه زرگر نصرانی دیدم و مرا گفته‌اند که در دیلم هم از این سنگ‌هاست که جنین را حفظ می‌کند (همان، ص ۵۳۵).

بر اساس این دانسته‌ها می‌توان ادعا کرد که کتاب فردوس الحکمة در پزشکی دوره اسلامی، به ویژه در سده‌های نخستین جایگاه مهمی دارد. به علاوه، وجود نکات جالب توجه تاریخی در حوزه‌های گوناگون علوم و آداب و رسوم اقوام مختلف، این کتاب را در ردیف آثار تاریخی قرار می‌دهد که باید پژوهش‌های تحلیلی گسترده‌تری در آن به عمل آید.

منابع

- ابن ابی اصیبعه، موفق الدین احمد بن القاسم؛ *عیون الانباء فی طبقات الاطباء*، شرح و تحقیق نزار رضا، بیروت، [بی تا].
- ابن اثیر، علی بن محمد شیبانی؛ *الکامل فی التاریخ*، بیروت، ۱۴۰۲ ق.
- ابن العدیم، کمال الدین عمر بن احمد؛ *الوصله الی الحیب فی وصف الطبیات و الطیب*، تحقیق سلیمی محبوب و دریه الخطیب، ۲ ج، حلب، ۱۴۰۸ ق.
- ابن بطلان، مختار بن حسن؛ *تقویم الصحة*، ترجمه کهن تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران، ۱۳۶۶ ش.
- ابن بیطار، ضیاءالدین بن محمد اندلسی مالقی، *جامع لمفردات الاغذیه و الادویه*، ۲ ج، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
- ابن عبری، غریغوریوس بن هارون، *تاریخ مختصرالدول*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، ۱۳۷۷ ش.
- ابن مطران، الیاس بن اسعد، *بستان الاطباء و روضة الالباء*، نسخه عکسی با مقدمه مهدی محقق، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، ترجمه رضا تجدد، تهران، ۱۳۴۶ ش.
- براون، ادوارد، *تاریخ طب اسلامی*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- بیرشک، احمد و همکاران، *خلاصه زندگی نامه علمی دانشمندان*، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- بیرونی، محمد بن احمد؛ *صیدته فی الطب*، تصحیح زریاب خویی، تهران، ۱۳۷۰ ش.
- بیهقی، ظهیرالدین؛ *حکماء الاسلام*، تصحیح ممدوح حسن محمد، قاهره، ۱۴۱۷ ق.
- تمیمی، محمد بن احمد بن سعید، *جیب العروس*، نسخه خطی مجلس شورای اسلامی.

- حموی، ابو عبدالله یاقوت؛ معجم الادباء، ۲۰ ج، دمشق، ۱۴۰۰ ق.
- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، ذیل «ابن ربین طبری» نوشته رضا انزابی نژاد.
- رازی، محمد زکریا، الحاوی فی الطب، ترجمه محمود طباطبایی، ج ۲۲، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- رازی، محمد بن زکریا، کناش فاخر، نسخه خطی کتابخانه ملک شماره ۴۴۷۹.
- سزگین، فؤاد، تاریخ نگارش های عربی، ترجمه فارسی ج ۳، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- شهرزوری، شمس الدین محمد بن محمود؛ نزهة الارواح و روضة الافراح، تصحیح محمد تقی دانش پزوه و محمد سرور مولایی، تهران، ۱۳۶۵ ش.
- طبری، علی بن ربین؛ فردوس الحکمة، تصحیح محمد زبیر صدیقی، برلن، ۱۹۲۸ م.
- عواد، کورکیس؛ اصول العربية للدراسات السریانیة، بغداد، ۱۴۰۹ ق.
- قفطی، جمال الدین، تاریخ حکماء؛ ترجمه فارسی کهن تصحیح بهین دارایی، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- کحاله، عمر رضا؛ معجم المؤلفین، ۱۵ ج، بیروت، [بی تا].
- مسعودی، علی بن حسین؛ مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۶۰ ش.
- هروی، موفق الدین ابومنصور علی؛ الابنیه عن حقائق الادویة، به کوشش احمد بهمنیار و محمد حسین محبوبی اردکانی، تهران، ۱۳۴۶ ش.